

مردم

از گل مرکزی حزب توده ایران

ساره «من» اعلیحضرت

برخی واقفیت حاکی از آنست که در ماههای بی چهل ارتجاعی سیاست داخلی خود را بازمه شدید کرده است. از آن قبیل است: نطق او در دانشگاه «پدافند ملی» در باره تشدید اظهارات شاه در هشتمین کنفرانس ارزشیابی آموزشی رامسر در باره نقش و مسئولیت خود او و دولت و سرانجام «اصلاح» در قانون داد کیفر ارتش که موافق آن اقدام علیه امنیت داخل و خارج از ایران با حبس دائم و اعدام میشود.

رژیم مذهبست باین روال عمل میکند و هیچ از اینها ماهیتاً تازگی ندارد. آنچه که تازه مانست که در کنفرانس آموزشی رامسر آنرا صراحتاً نام نهاده اند. شاه که چندین پیش اساسی را رسماً مورد انتقاد قرار داده و آنرا قانونی اساسی کشور های دیگر و مهم و اندک است. در کنفرانس آموزشی رامسر صریحاً در باره مسئله «عدم مسئولیت شاه» و مسوولیت در مقابل مجلس که محور مرکزی قانون است و بر سر آن ایستاده خون نثار شده بیان کرد نقاط مختلف اظهارات خود نکات زیرین را در قسمت دیگری که کاملاً باید برای همه مفهوم است که تمام تشکیلات سیاسی مملکت و مملکت در شکم حزب است. نه خارج از... ما وقت نداریم که تلف بکنیم: سلیقه های و شخصی نمیتواند باشد. یک سیاست عمومی که بوسیله دولت اجرا میشود. بوسیله حزب میشود و گزارشات رسیده هم البته با اطلاع من رسید. گزارش حزب را یا دبیر کل (که حالا وزیر هم هست) با اطلاع من میرساند. یلبصورت که مربوط به جریانهای سیاسی و گزارشات حزبی با اطلاع ما خواهد رسید... نتیجه اینکه آنچه ب یا دولت (س) گرفته میشود نهائی نیست.

بنیال اعتصابات مهمی که در ماههای اخیر در مراکز کارگری ایران مانند تهران، اراک، شاهین روی داده، اعتصابی نیز در بهشهر، یکی دیگر از مراکز کارگری، صورت گرفته که در جنبش اعتصابی اخیر حائز اهمیت است.

اعتصاب نخست در کارخانه چیت سازی بهشهر روی داده است. کارخانه چیت سازی قبلاً متعلق به دولت بوده و در جریان اصلاحات ارضی به یکی از

آن دولت است که در مقابل من مسئول است و نتیجه نهائی تمام رسیدگی ها را باید دولت با اطلاع من برساند.

این اظهارات را روزنامه اطلاعات هوایی در شماره ۱۶ شهریور ماه تحت عنوان «بین رودریستی شاهنشاه: دولت در برابر من مسئول است» با درشت ترین حروف چاپ کرده است و تصور میکنیم «مویات» اعلیحضرت را خوب و موفقیت آمیز خلاصه کرده باشد.

اظهارات یاد شده، در حکم صریح و دقیق کردن انتقادات قبلی شاه از قانون اساسی است. در آنجا وی گفته بود که نقش قوه مجریه در قانون اساسی مهم است. حالا ایشان این «ایهام» را با تصریح مسئولیت عالی و بی پرو برگرد خود در کل امور دولتی و «حزبی» رفع میکند. احتیاجی هم باین «رفع ایهام» نبود، نکته مذهبست پیداست و بهمین روال با شدت تمام عمل شده است.

ولی اینکه شاه جبهات ارتجاعی سیاست داخلی خود را تشدید میکند و دست به «صراحتها» و «وقیانه میزند» حاکی از چیست؟ مسلماً حاکی از وضع مسا عدی برای او نیست، بلکه واکنشهای عصبانی کسی است که هم اکنون افراد سیاست کنونی خود را در طول مدت احسان میکند. سیاست داخلی و خارجی رژیم بیش از پیش هرگونه پایه واقع بینانه ایرا حتی در چارچوب یک سیاست پرورژوایی از دست میدهد و جنبه ماجراجویانه و واکنشهای ابلهانه بقوه میگردد. مسلماً چنین «سیاستی» از جهت تاریخی تنها میتواند بشکست بیانجامد.

جالب است که در چنین کشوری که شاه آن مانند عهد فراموشی، خود را در پایگاه الوهیت قرار میدهد و غلط بودن قانون اساسی را بصراحت اعلام میکند، یکی از مواد سه گانه حزب شهاخته «سراسر کشوری» و رستاخیز قبول قانون اساسی است و بعنوان قیام و اقدام علیه سلطنت مشروطه (۱) کسانی را که حتی در خارج از کشور بخواهند تابع اراده اعلیحضرت نشوند یا اعدام محکوم میکنند! اعلیحضرت از همه طرف طلبکار است. ۱. سپهر

قرارداد مصر و اسرائیل جنایت به خلقهای عرب است

روز اول سپتامبر مصر و اسرائیل با میانجیگری ام آمریکا پیش نویس موافقتنامه ای را در نام «موم» جدا سازی نیروها در شبه جزیره سینا بردند. بموجب این موافقتنامه اسرائیل بخش اعشاقی در سال ۱۹۶۷ را در شبه جزیره سینا بیکند. در مقابل مصر تعهد میکند که از توسه تشدید برای باز پس گرفتن زمینهای از دست او خودداری کند. درباری سرخ را بر روی کشتی اسرائیل بنند و به کالا های غیر نظامی اسرائیل

از داد ۸۷ درصد از زمینهای اشغالی در اختیار باقی خواهد ماند و مصر فقط ۵ درصد از سینا را زیر کنترل خود خواهد داشت. در ذکر این ارتفاعات جولان و حقوق خلق عرب و بمیانجامد نیامده است. بطوریکه معلوم است این موافقتنامه نتیجه کوشش کینسینجر وزیر امریکاست که هدف آن تثبیت موقعیت در مهمترین جبهه یعنی مصر، ایجاد تفرقه بین های عربی، پایمال کردن حقوق مردم عرب و کشاندن هر چه بیشتر مصر به دایره نفوذ و اقتصاد امریکا و سرانجام دخالت مستقیم اسم امریکا در این منطقه بعنوان حق دلالی است. ماده ۴ قرار داد یک «سیستم هشدار بموقع» جدائی نیروها بوجود نیاید. این «سیستم» ثبات آن در پروتکل ضمیمه قرار داد تعیین امریکا و گذار میشود. امریکا ۱۳۳۳ نگاه مراقبت بکنی در گذشته های «میتلا» و «جدی» داز ۲۰۰ نفر کارشناس بدانجا اعزام میدارد که

جنبش اعتصابی در ایران گسترش مییابد

درد پرشور به طبقه کارگر مبارز ایران شاهپور ها و خسرو شاهی فروخته شده است. کارخانه چیت سازی بعنوان پیشروانه اصلاحات ارضی مبلغ صد میلیون تومان قیمت گذاری شده بود. ولی صاحبان کنونی کارخانه آنرا بمبلغ ۴۱ میلیون تومان خریدند. بعداً کارخانه مورد ارزیابی دقیق قرار گرفته و به مبلغ بیش از ۲۰۰ میلیون تومان قیمت گذاری شده است. کارخانه چیت سازی ۱۳۰۰ کارگر مرد و زن و کودک دارد. صرف نظر از وضع بد مادی کارگران تحت کنترل شدید هستند، بطوریکه در محظ کار حتی حق صحبت ندارند. یک سرهنگ بازنشسته که مأمور انتظامات کارخانه است، کارگران را مرتب تهدید

سیاست خارجی یکن در خدمت

امپریالیسم و ارتجاع جهانی (واقفیت از چه حکایت میکند؟)

دروانی که مائوئیسم با تقاب مدافع اصول واقعی، مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری با احزاب کمونیست و کارگری کشورهای اروپا و سوسیالیستی به مخالفت بر میخواست، مذهبست به پایان رسیده و مائوئیسم بی تقاب و عریان مانند متفق سیاه ترین نیرو های امپریالیسم و ارتجاع جهانی یا بیدان گذارده است.

در تمام مناطق جهان و مسائل بین المللی که مرز بندی بین نیرو های مترقی و ازادبخواه و سوسیالیسم با نیروهای ارتجاعی، نتر فاشیسم و امپریالیسم مشخص و روشن میشود، مائوئیسم و نیروهای اندیشه های مانو در مقابل نیروهای مترقی و در کنار نیروهای امپریالیسم و ارتجاع قرار گرفته اند.

زمنیکه جنبش رهائی بخش ملی در بنگلادش بمبارزه مسلحانه علیه سلطه دیکتاتوری نظامی پاکستان و در راه آزادی بنگلادش بر خاست بکن و مائوئیستها به مخالفت با جنبش استقلال طلبانه مردم بنگلادش برخاستند و به اتفاق امپریالیسم و ارتجاع جهانی از دیکتاتوری نظامی یخنی خان همه گونه پشتیبانی نمودند و تشکیل بنگلادش را تجزیه طلبی خواندند ولی پس از کودتای ارتجاعی در این کشور علیه حکومت مجیب الرحمن با کودتاچیان وارد توطئه شدند و بلا فاصله حکومت کودتا را برسمت شناختند. معلوم شد اشکال در سر «تجزیه» بنگلادش از پاکستان نبود، بلکه اشکال در حکومت بود که امپریالیسم نسبت به آن نظر مساعدی نداشت.

در شبلی در دوران دولت وحدت ملی رئیس جمهور آئینده گرایش یکن در جهت تضعیف دولت قانونی آئینده بود و پس از کودتای فاشیستی در این کشور بلا فاصله عذر سفیر دولت قانونی آئینده از یکن خواسته شد و دولت فاشیستی پیئوشه برسمت شناخته شد و اخیراً هیئت نمایندگی این دولت با سلام و صلوات فراوان در یکن مورد پذیرائی قرار گرفت. در حالیکه تمام محافل اجتماعی مترقی جهان دولت پیئوشه را محکوم میکنند و علیه شوه های فاشیستی این دولت و به پشتیبانی از زندانیان سیاسی و طرفداران دولت آئینده به تظاهرات و اعتراض دست میزنند. رهبران یکن روابط اقتصادی و سیاسی خود با این دولت فاشیستی روز بروز نزدیکتر میکنند.

مدتهاست که یکن نسبت به ییمان ناتو و بازار مشترک توجه خاصی معطوف میدارد. مشکلاتی که در اثر وقایع یرتقال برای این ییمان نظامی تجاوز کار پدید آمده لیدرهای یکن را نگران میسازد. اظهار نظرهای رهبران ییمان ناتو در مورد یرتقال از طرف ارگانههای تبلیغاتی چین بازگوشود. تفسیر خبر گزار میخواستوا منتشره در نهم سپتامبر در این مورد بسیار جالب توجه است. در این تفسیر اظهار نظر های رهبران ییمان

دنباله در صفحه ۲

اعتراض به بازداشت میهن پرستان بحرینی

کمیته مرکزی حزب توده ایران طی تلگرامی به دولت بحرین به بازداشت میهن پرستان بحرینی شدیداً اعتراض کرده و آزادی زندانیان سیاسی را خواستار شده است.

دنباله در صفحه ۲

میکند که در صورت تخلف آنها را به سازمان امنیت تحویل خواهد داد. جریان اعتصاب بقرار ریز بوده است: چند نفر از کارگران نزد رئیس کارخانه میروند و خواستههای خود را بیان میدارند، ولی با خشونت و تهدید رئیس کارخانه و سرهنگ روبرو میشوند. کارگران بلا فاصله بهر خورد خود را با رئیس کارخانه و سرهنگ با سایر کارگران در میان میکنند. در نتیجه همه کارگران دست از کار میکشند و نمیگذارند که رئیس و سرهنگ از اطاق خود خارج شوند. پس از اطلاع از اعتصاب کارگران، رئیس اداره کار و معاون فرمانداری بکارخانه میآیند. رئیس اداره کار معمول وعده و وعید میدهد. ولی کارگران میگویند که «تو از آنها هستی نه از ما» و او و معاون فرماندار را هم در اطاق نگه میدارند. کارگران سپس ۷ بعد از ظهر سوت کارخانه را که بسموع بوده، بصدا در میآورند. در نتیجه مردم شهر ودانش آموزان به حمایت کارگران جلوی کارخانه میآیند. پس از این جریان کارگران استاندار و معاون ساواک ساری به کارخانه میآیند. آنها هم قول های زیادی به کارگران میدهند. ولی کارگران میگویند که این کارخانه ماست و ربطی به ساواک ندارد و معاون ساواک را از کارخانه بیرون میکنند و معاون استاندار را هم نزد دیگران بگه میدارند. کارگران میگویند باید مدیر عامل کارخانه بیاید و خواستههای ما را بپذیرد تا ما مشغول کار شویم. مدیر عامل در تهران بوده و قصد رفتن به ژاپن را داشته، ولی بر اثر پانشاری کارگران مجبور میشود به بهشهر بیاید. پس از حضور او کارگران میگویند شما قول

دنباله در صفحه ۲

توطئه ضد آزادی در بحرین

توطئه های گوناگون محافل حاکمه ارتجاعی بحرین، با پشتیبانی امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی رژیم شاه و دولت عربستان سعودی، برای سرکوب جنبش آزادیبخش مردم بحرین سرانجام در ۴ شهریور ۱۳۵۴ (۲۶ اوت ۱۹۷۵) با یک شبانه کودتا که به انحلال پارلمان بحرین و برداشت بسیاری از میهن پرستان بحرینی منجر گردید، باوج خود رسید. علت این توطئه های ضد آزادی و سرانجام شبه کودتای اخیر را از یکسو در موفقیت حساس بحرین از نظر نظامی و در نتیجه اهمیت خاص آن برای امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی، رژیم شاه و دولت عربستان سعودی و از سوی دیگر در گسترش جنبش آزادیبخش مردم بحرین که در مرکز آن یک جنبش قوی کارگری وجود دارد باید جستجو کرد.

امپریالیستهای امریکائی که در بحرین پایگاه نظامی دارند، با تمام قوا میکوشند که این پایگاه را حفظ کنند تا هم بعنوان موضع استراتژیک خود را در منطقه حفظ و تحکیم کنند و هم در صورت لزوم از این پایگاه برای دفاع از منافع نفتی و سرکوب جنبشهای ضد امپریالیستی در منطقه استفاده کنند. امپریالیستهای انگلیسی و محافل حاکمه ارتجاعی بحرین، رژیم شاه و دولت عربستان سعودی از این سیاست امپریالیستهای امریکائی کاملاً پشتیبانی میکنند و در تحقق آن شرکت فعال دارند. جنبش آزادیبخش مردم بحرین که هم برای قطع نفوذ امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و رژیمهای ارتجاعی خارجی در بحرین، مانند رژیم شاه و دولت عربستان سعودی، و هم برای ازین بردن تسلط محافل حاکمه ارتجاعی بحرین و استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک مبارزه میکند، بزرگترین مانع در راه نیل به این هدف شوم است. گذشته از این قلمرت و نفوذ و پیروزی جنبش آزادیبخش مردم بحرین میتواند منبع نیرو بویژه برای سایر کشورهای عربی خلیج باشد. لذا از اینجهت هم امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی، محافل حاکمه ارتجاعی بحرین، رژیم شاه و دولت عربستان سعودی در سرکوب جنبش آزادیبخش مردم بحرین منافع مشترک دارند.

دنباله در صفحه ۲

جنبش آزادیبخش مردم بحرین

آن جنبش کارگران بحرین و در پیشاپیش آن جبهه ملی برای آزادی بحرین، قرار دارد. نقش مهمی در استقلال بحرین ایفا کرد. این جنبش و پیشاهنگامان با وجود فشار محافل امپریالیستی و محافل ارتجاعی داخلی و خارجی، چه قبل و چه بعد از استقلال بحرین، مبارزه

دنباله در صفحه ۲

